



Research Article

Ontological Defense of Presentism Concerning Time versus Eternalism

Ruhollah Rasouli¹

Majid Molla Yousefi²

Muhammad Javad Shams³

Ruhollah Adineh⁴

In this article, the authors have tried to resolve the conflict between two theories on time, namely presentism and eternalism, based on an analytical-descriptive research method. According to presentism, only time and identities of now are present and real, and the past/future have no reality or existence. On the other hand, eternalism seeks to explain the idea that all times, past/present/future, have equal reality and are existing. Presentism is based on theory A and eternalism is based on theory B concerning time. According to theory A, the categories of past/present/future are inherent to time and the passage of time is justified on their basis. According to theory B, the categories of time are arranged according to before/after/simultaneous with, and are sufficient to explain the passage of time. Important drawbacks have been leveled against presentism, the most important of which are the problem of individual propositions, the absent objects, and the relationship between present and absent objects. In other words, how can presentism talk about past and future objects that do not exist as per their presupposition? Presentists have attempted to resolve these problems by means of paraphrasing solution of the past/future statements and by the idea that times are similar to the possible worlds. Finally, two important arguments in defense of presentism are provided: the principle of reality intuition and the appeal to the principle of metaphysical parsimony. According to these arguments, first, presentism is more consistent with intuition, and second, metaphysical parsimony considerations show that it is wrong to unduly multiply objects in metaphysical theories. Presentism is therefore a better idea than eternalism concerning time.

Keywords: presentism, eternalism, theory A, theory B, individual propositions, reality intuition.

1. Ph.D. Student in Islamic Philosophy and Wisdom, Imam Khomeini International University, Qazvin

2. Associate Professor, Department of Islamic Philosophy and Wisdom, Imam Khomeini International University, Qazvin

3. Associate Professor, Department of Islamic Philosophy and Wisdom, Imam Khomeini International University, Qazvin

4. Assistant Professor, Department of Islamic Philosophy and Wisdom, Imam Khomeini International University, Qazvin



روح اله رسولی^۱ ID
مجید مالایوسفی^۲
محمدجواد شمسی^۳
روح‌الله آدینه^۴

دفاع هستی‌شناسانه از اکنون‌گرایی در باب زمان در برابر ازل‌گرایی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۹ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۰/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۱/۲۳

چکیده

نویسندگان در این مقاله براساس روش پژوهشی تحلیلی- توصیفی کوشیده‌اند نزاع میان دو نظریه در باب زمان، یعنی اکنون‌گرایی و ازل‌گرایی را برطرف سازند. براساس اکنون‌گرایی، تنها زمان و هویت اکنون، موجود و واقعی هستند و گذشته/آینده هیچ‌گونه واقعیت و وجودی ندارند. از آن سو، ازل‌گرایی در پی تبیین این ایده است که تمام زمان‌ها یعنی گذشته/اکنون/آینده از واقعیت مساوی برخوردار بوده و موجود هستند. اکنون‌گرایی مبتنی بر نظریه A و ازل‌گرایی استوار بر نظریه B در باب زمان است. بنابر نظریه A، مقولات گذشته/اکنون/آینده ذاتی زمان هستند و گذر زمان براساس آن‌ها توجیه می‌شود. براساس نظریه B، مقولات زمان براساس قبل‌از/بعداز/همزمان با، چینی می‌شوند و برای تبیین گذر زمان کافی هستند. اشکالات مهمی بر اکنون‌گرایی وارد شده است که مهمترین آن‌ها مسئله گزاره‌های منفرد و اشیای نا حاضر و ارتباط میان اشیای حاضر و نا حاضر است؛ بدین معنا که اکنون‌گرایی چگونه می‌تواند درباره اشیای گذشته و آینده که بنابر پیش فرض آنان موجود نیستند سخن بگوید؟ اکنون‌گرایان کوشیده‌اند این معضلات را از طریق راه‌حل پارافریز جملات مربوط به گذشته/آینده و نیز این ایده که زمان‌ها مانند جهان‌های ممکن هستند، حل کنند. در پایان، دو استدلال مهم برای دفاع از اکنون‌گرایی بیان می‌شود که عبارتند از اصل شهود واقعیت و توسل به اصل صرفه‌جویی متافیزیکی. براساس این استدلال‌ها اولاً اکنون‌گرایی با شهود سازگارتر است و ثانیاً ملاحظات صرفه‌جویانه متافیزیکی نشان می‌دهد تکثیر بی‌جهت اشیاء در نظریات متافیزیکی کار نادرستی است. بنابراین اکنون‌گرایی نسبت به ازل‌گرایی ایده بهتری در باب زمان است.^۵

واژگان کلیدی: اکنون‌گرایی، ازل‌گرایی، نظریه A، نظریه B، گزاره‌های منفرد، شهود واقعیت.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین. (نویسنده مسئول) Roholla.rasooli20@gmail.com

Orchid: 0000-0001-6200-4793

۲. دانشیار گروه فلسفه دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) m.yousefi@ikiu.ac.ir

۳. دانشیار گروه فلسفه دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) mj.shams@isr.ikiu.ac.ir

۴. استادیار گروه فلسفه دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) Dr.Adineh@isr.ikiu.ac.ir

استناد به این مقاله: رسولی، روح‌الله و دیگران (۱۴۰۳). «دفاع هستی‌شناسانه از اکنون‌گرایی در باب زمان در برابر ازل‌گرایی». فصلنامه علمی پژوهشی

doi 10.22081/nir.2022.60027.1275

پژوهش‌های عقلی نوین ۱۸. صص ۳۵-۵۹.

۵. مستخرج از فصل اول رساله دکتری





مقدمه

سابقه بحث از مسئله زمان به درازای تاریخ اندیشه بشری است و فیلسوفان مختلف از افلاطون و ارسطو تا فیلسوفان قرون وسطی و معاصر در شرق و غرب به این مسئله پرداخته‌اند. از ابتدای قرن بیستم مک‌تاگارت^۱ روش بحث را تغییر داد. اگرچه نتیجه ادعای وی این بود که زمان، واقعیت ندارد، اما روش استدلال او در میان فیلسوفان معاصر تحلیلی محل بحث قرار گرفت. پس از مک‌تاگارت دو گروه پدید آمدند که هر یک به نوعی ادعای وی را به چالش کشیدند. این دو گروه^۲ در واقعیت داشتن زمان اتفاق نظر داشتند اما درباره این که کدام یک از زمان‌ها واقعیت بیشتری دارد، اختلاف پیدا کردند. برخی معتقد بودند تنها زمان موجود واقعی، «اکنون» است و گروهی دیگر باور داشتند تمام زمان‌ها یعنی گذشته/اکنون/آینده، واقعیتی مساوی دارند. گروه نخست، «اکنون‌گرا»^۳ نام گرفتند و دسته دوم را «ازل‌گرا»^۴ نامیدند. نویسندگان در این مقاله کوشیده‌اند ضمن بیان اشکالات و پاسخ به آنها از «اکنون‌گرایی» به عنوان ایده‌ای برتر نسبت به رقیب خود دفاع کنند. اما پیش از ورود به بحث اصلی اشاره‌ای به مباحث مک‌تاگارت ضروری است. پس از بررسی آرای مک‌تاگارت، برخی اشکالات وارد شده بر اکنون‌گرایی بررسی می‌شود و در نهایت به وجوه برتری این نظریه از حیث هستی‌شناختی اشاره خواهد شد.

۱. نظریه A و B در باب زمان

مک‌تاگارت از طریق تقسیم‌بندی مقولات زمان، بر واقعیت نداشتن زمان استدلال کرده بود. وی معتقد بود امور زمانی یعنی رویدادها و زمان‌هایی را که آن رویدادها در آن زمان‌ها اتفاق می‌افتند، می‌توان به دو شکل متفاوت از یکدیگر مرتب نمود: سری‌های B که رویدادها و زمان‌ها براساس قبل از/بعد از و همزمان با، چیده می‌شوند و سری‌های A که رویدادها و زمان‌ها براساس ویژگی‌های گذشته/اکنون/آینده نظم و ترتیب می‌یابند.

مک‌تاگارت استدلال کرده بود رویدادهای مبتنی بر روابط در چارچوب سری‌های B در موضع خود ثابت و استوارند و هیچ‌گاه عقب و جلو نخواهند رفت و جای‌شان را به رویدادها و آنات پیش و پس از خود نمی‌دهند. برای

1. John McTaggart Ellis McTaggart.

متافیزیسین ایده‌آلیست، نماینده فلسفه هگل و از برجسته‌ترین آرمان‌گرایان انگلیسی است.

2. B-Theorists and A-Theorists.

3. Presentist.

4. Eternalist.



مثال اگر رویداد مرگ افلاطون پیش از رویداد مرگ ارسطو اتفاق افتاده باشد، براساس سری‌های B برای همیشه، ویژگی رابطه «قبل از» و رابطه «بعد از» برای آن دو رویداد محفوظ خواهد بود. (McTaggart J. M., 1927, p. 13) سپس ادعا کرده بود اگر بخواهیم گذر زمانی را توجیه نمایم باید این سری‌ها مبتنی بر سری‌های A باشند، اما سری‌های A ناسازگار هستند؛ به این معنا که اگر رویدادی ضرورتاً آینده باشد، آنگاه نه گذشته و نه اکنون خواهد بود. همچنین اگر رویدادی، اکنون باشد، آنگاه نه گذشته و نه آینده خواهد بود. بنابراین اگر سری‌های A وجود می‌داشت، هر رویدادی در این سری‌ها هر سه ویژگی گذشته‌بودن/اکنون‌بودن/آینده‌بودن را دارا بود (McTaggart J. M., 1927, p. 20)؛ زیرا برای سری‌های A ضروری است که رویدادها از آینده دور به اکنون و از اکنون به گذشته در حرکت باشند. در این صورت، از آنجاکه محال است رویدادی طبق این سری‌ها هر سه ویژگی متعارض یادشده را داشته باشد، در نتیجه غیرممکن است چیزی به نام سری‌های A موجود باشد، بنابراین زمان، غیر واقعی است و وجود ندارد.

برخی پذیرفته‌اند که استدلال مک‌تاگارت درباره متناقض بودن سری‌های A صحیح است، اما واقعیت نداشتن زمان درست نیست. این گروه را نظریه‌پردازان B می‌گویند. از دیدگاه نظریه‌پردازان B، سری‌های B به تنهایی یک چارچوب زمانی هستند و البته تنها چارچوب صحیح از زمان، همین سری‌ها می‌باشند. گروه دیگر نه تنها نپذیرفتند که زمان امری واقعی نیست، بلکه این ادعا را که سری‌های A متناقضند نیز زیر سؤال بردند. این گروه که نظریه‌پردازان A نام دارند معتقدند زمان به نحو تحویل‌ناپذیری^۱ دربردارنده عبارات زمانی گذشته‌بودن، اکنون‌بودن و آینده‌بودن است. اصطلاحات یا افعال زبانی مانند «دیروز»، «امروز»، «فردا»، «گذشته»، «حال» و «آینده» فارغ از اینکه فردی آن‌ها را به‌کارگیرد یا به آن‌ها توجه نماید، ویژگی‌های ذاتی زمان هستند. به عبارتی اگر فردی بخواهد رویدادی را که در زمان خاصی اتفاق افتاده است، توصیف نماید، به اصطلاحات و عبارات زمانی مانند «در گذشته اتفاق افتاد/چنین بود»، «اکنون در حال اتفاق افتادن است/اکنون چنین ویژگی‌ای دارد» و «در آینده اتفاق خواهد افتاد/در آینده چنین ویژگی‌ای خواهد داشت» نیازمند است. به تعبیر زیمرمن^۲ تغییر رویدادها و اشیایی که تحت این ویژگی‌ها توصیف می‌شوند به معنای داشتن چنین ویژگی‌هایی است. (Zimmerman D. W., 2008, pp. 211-212) نکته مهمی که نظریه‌پردازان A

1. Reductionistic
2. Dean W. Zimmerman

پروفسور آمریکایی فلسفه در دانشگاه راتگرز و متخصص در متافیزیک و فلسفه دین است.



بر آن تأکید می‌کردند این بود که از میان زمان‌ها، «اکنون» از حیث هستی‌شناختی، ویژگی ممتازی نسبت به گذشته و آینده دارد. به بیان دیگر، زمان اکنون از واقعیتی ملموس‌تر برخوردار است. Zimmerman, Prior A.N., 1970, p.246; Zimmerman, 2005, p. 401-402) به همین دلیل این افراد را اکنون‌گرا می‌نامند.

نظریه پردازان B اصرار می‌ورزیدند سری‌های B خود چهارچوبی مستقل هستند که نیازی به وابستگی به سری‌های A ندارند. همچنین گذر زمانی و تغییر اشیا طبق این چهارچوب امکان‌پذیر است. (Smart, 1963, pp. 135) همین نگاه باعث شد تا از منظر طرفداران نظریه B رویدادهای زمانی در یک چهارچوب ثابت و همیشگی به صورت قبل از و بعد از چیده شوند طوری که تمام اجزای آن باهم و در کنار هم موجود باشند. از نظر آنان واقعیت به طور کل از سه بُعد مکانی افزون بر زمان به‌عنوان بُعد چهارم تشکیل شده است. (Smart, 1963, pp. 135) به همین دلیل این افراد چهاربعدگرا^۱ نیز نامیده می‌شوند. شأن هستی‌شناختی زمان و اجزای آن (بر فرض که زمان نیز مانند مکان دارای اجزا است) دقیقاً شبیه مکان و اجزای آن است. (Carter and Hestevold, 1994, p. 270)

براساس این ادعا هنگامی که درباره رویدادهایی مانند «زیست فخر رازی در دوره خوارزمشاهیان» و «زندگی انسان‌ها در صد سال آینده در مریخ» سخن می‌گوییم، همگی موجود هستند، اما هر یک در ظرف زمان خود وجود دارند. از آنجاکه نظریه پردازان B، چهاربعدگرا هستند و برای تمام زمان‌ها واقعیت مساوی در نظر می‌گیرند، ازل‌گرا نیز نامیده می‌شوند. در واقع نتیجه ترکیب نظریه B و چهاربعدگرایی، ازل‌گرایی نام دارد. بر اساس ازل‌گرایی تمام زمان‌ها (گذشته/اکنون/آینده) و محتویات آن‌ها (یعنی هویات موجود در این زمان‌ها اعم از اشیا و رویدادها) از واقعیت مساوی بهره‌مند هستند. زمان‌ها از هم فاصله زمانی دارند، درست شبیه مکان‌ها که از هم فاصله مکانی دارند. ساید^۲ به عنوان یک ازل‌گرا می‌گوید: «فاصله‌های زمانی، یعنی گذشته، اکنون و آینده در واقعیت داشتن شبیه هم و مشترکند» (Sider, 2001, pp. 11-12) پس نکته مهم این است که بر اساس ازل‌گرایی، تمام زمان‌ها واقعی و موجودند و هیچ کدام نسبت به دیگری از واقعیت بیشتری برخوردار نیستند.

1. Fourdimensionalist
2. Theodore Sider

وی فیلسوف آمریکایی متخصص در متافیزیک و فلسفه زبان است. او استاد برجسته فلسفه در دانشگاه راتگرز و فرزند الهی‌دان، رونالد سیدر می‌باشد.



۲. انواع اکنون‌گرایی

از نظر طرفداران نظریه^۱ A «اکنون» شأن متافیزیکی خاصی نسبت به گذشته/آینده دارد. «اکنون» از آن دو «واقعی‌تر» است. بر اساس اینکه مدعیاتی خارج از زبان زمان دستوری وجود ندارد و زمان دستوری ویژگی ذاتی زمان است و همچنین مبتنی بر اینکه «اکنون»، ویژگی خاصی در زمان دارد، چهار نظریه درباره زمان پدید آمده است: نورافکن^۱، بلوک فزاینده^۲، بلوک رو به کاهش^۳ و اکنون‌گرایی^۴.

تعبیر پراد^۵ از زمان اکنون این است که «اکنون» حکم نورافکنی دارد که پلیس در خیابان بر خانه‌های زیادی می‌افکند. خانه‌ها نقش رویدادها را بازی می‌کنند و هر لحظه می‌توان یکی از خانه‌ها را زیر نور نورافکن مشاهده کرد. خانه‌هایی که نور بر آنها تابیده و اکنون در معرض نور نیستند، حکم گذشته را دارند و خانه‌هایی که هنوز نور بر آنها تابیده است، در حکم آینده هستند و خانه‌هایی که اکنون نور بر روی آنهاست، حکم اکنون را دارند. (Broad, 1923, p. 59) رویدادها و زمان‌های آن‌ها از آینده به اکنون و گذشته در حرکت هستند. (Taylor, 1963, p. 78)

بر اساس نظریه بلوک فزاینده، زمان‌ها و هویات اکنون و گذشته موجودند، اما زمان و هویات آینده موجود نیستند. (Tooley, 2000, p. 240; Broad, *Ibid*, p. 66) به عبارتی دیگر آینده شأن وجودی ندارد و موجود نیست. طبق بلوک رو به کاهش، آینده و اکنون هستند، اما گذشته واقعیت ندارد. (Merricks, 2006, p. 104) نقطه اشتراک سه‌گانه مذکور این است که «اکنون» شأن و ویژگی خاصی نسبت به گذشته/آینده دارد.

۲-۱. اکنون‌گرایی محض

طرفداران این نظریه معتقدند تنها هویات، اشیا و رویدادهای اکنون موجودند و اشیا یا هویات گذشته و آینده معدوم می‌باشند. (Markosian, 2006, p. 307; Zimmerman, 2008, p. 211; Bigelow, 1996, p. 35) اکنون چنان واقعی

1. Spotlight Theory
2. Growing Block Theory
3. Shrinking Block theory
4. Serious presentism
5. Charlie Dunbar Broad

معرفت‌شناس انگلیسی، مورخ فلسفه، فیلسوف علم، فیلسوف اخلاق و نویسنده در جنبه‌های فلسفی تحقیقات روانی بود. اندیشه علمی، ذهن و جایگاه آن در طبیعت و بررسی فلسفه مک‌تاگارت از آثار وی است.



می‌باشد که تمام واقعیت را پر کرده است. مارکوسیان^۱ اظهار می‌دارد: «اگر بخواهیم فهرستی از تمام اشیایی که موجود هستند، تهیه کنیم، یعنی نامقیدترین سور منطقی^۲ ما آنها را در برگیرد، آنگاه هیچ شیء «ناکنونی»^۳ در این فهرست وجود نخواهد داشت». (Markosian, 2006, p. 307)

به بیان دیگر بزرگترین دامنهٔ تعبیر ما صرفاً دربردارندهٔ اشیا و رویدادهای اکنون می‌شود. براساس این ادعا، من، شما و مثلاً آرامگاه فردوسی در این فهرست جای داریم، اما این فهرست دربردارندهٔ ابن‌سینا و هیچ‌یک از نوه‌های ما نمی‌شود. این دیدگاه، رقیب جدی ازل‌گرایی است که توسط ازل‌گرایان به چالش کشیده شده است.

۱-۱-۲. گزاره‌های منفرد و اشیاء نا حاضر

یکی از معضلات اکنون‌گرایی مرتبط با گزاره‌های منفرد^۴ دربارهٔ اشیای نا حاضر است (اشکال صادق‌سازی^۵). براساس اصل صادق‌سازی، هر گزارهٔ صادقی یک صادق‌ساز دارد و هر صدقی به یک واقعیت وابسته است، نه برعکس. حال این پرسش مطرح می‌شود که اکنون‌گرایی گزاره‌های مربوط به گذشته یا آینده را که صادق هستند، چگونه تبیین می‌کند؟ گزارهٔ منفرد در وجودش مبتنی بر شیء یا اشیایی است که دربارهٔ آن/آنها به صورت مستقیم سخن می‌گوید. به عبارتی گزارهٔ منفرد دربارهٔ یک X خاص، گزاره‌ای است که به‌طور مستقیم دربردارندهٔ X است یا به X و نه به ویژگی‌های کیفی یا ارتباطاتی که آن X با اشیای دیگر دارد، ارجاع می‌دهد. (Adams, 1986, pp. 317-320) برای مثال:

الف) ابن‌سینا در قرن پنجم زندگی می‌کرد.

ب) من اکنون موجودم.

این دو گزاره اولاً یک گزارهٔ منفرد هستند و ثانیاً دربارهٔ شیء یا چیز منحصر به فردی گزارش می‌دهند. تفاوت این دو

1. Ned Markosian

فیلسوف آمریکایی؛ متخصص در زمینهٔ فلسفهٔ زمان، متافیزیک اشیای فیزیکی، آزادی و جبر و هویت شخصی. همچنین در زمینهٔ اخلاق، معرفت‌شناسی، نظریهٔ تصمیم‌گیری، فلسفهٔ زبان، فلسفهٔ علم و فلسفهٔ دین نیز نوشته‌هایی دارد.

2. The most unrestricted quantifier

3. Non-present object

4. Singular proposition

5. Truthmaking objection



در این است که (الف) دربارهٔ چیزی سخن می‌گوید که اکنون موجود نیست و (ب) دربارهٔ شیئی اظهار می‌شود که اکنون موجود است. اشکال این است که براساس اکنون‌گرایی هیچ گزارهٔ منفردی دربارهٔ (الف) وجود ندارد.

۲-۱-۲. ارتباط میان اشیای حاضر و نا حاضر

اشکال دوم این است که اگر اکنون‌گرایان هیچ شیء نا حاضری را به رسمیت نشناسند، آنگاه هیچ‌کس نمی‌تواند با اشیای نا حاضر در ارتباط یا نسبت قرار گیرد. بنابراین ما به عنوان اشیای حاضر و اکنون نمی‌توانیم در نسبت «تحسین‌کنندهٔ ابن‌سینا» قرار گیریم. همچنین هیچ رویدادی امروز (اکنون) در نسبت علی^۱ با جنگ مغول قرار نمی‌گیرد؛ زیرا آن جنگ دیگر وجود ندارد. براساس دیدگاه اکنون‌گرایی با از میان رفتن ابن‌سینا و جنگ مغول، تمام آنچه مربوط به آن‌ها بود، به‌ویژه نسبت‌هایی که میان آن‌ها با امور بعدی می‌باشد، از بین رفته است.

۲-۲. اکنون‌گرایی نامقید

این راه‌حل توسط هینچلیف^۲ ارائه شده است. وی میان اکنون‌گرایی محض^۳ و اکنون‌گرایی نامقید^۴ تفاوت قائل است. اکنون‌گرایی محض مدعی است یک شیء اگر و تنها اگر موجود (اکنون) باشد، می‌تواند ویژگی‌هایی داشته باشد و در نسبت با دیگر امور قرار گیرد، در حالی که بر اساس اکنون‌گرایی نامقید یک شیء می‌تواند ویژگی‌هایی داشته باشد و در نسبت با دیگر امور قرار گیرد؛ حتی در زمان‌هایی که موجود نیست. (Hinchliff, 1988, pp. 124-126)

متوسل شدن به اکنون‌گرایی نامقید برای حل معضل اشیای ناموجود و ارتباط آنها با اشیای موجود، طرفداران اکنون‌گرایی محض را قانع نساخته است؛ زیرا آنان اساساً به‌جز اکنون و هویات اکنون چیز دیگری را به رسمیت نمی‌شناسند. در این صورت، هنگامی که چیزی به تعبیر آنان ناموجود شد، ویژگی‌ها و ارتباطات آن با دیگر امور نیز از بین می‌رود و گزاره‌های منفرد برای توصیف آن‌ها در ارتباط با امور دیگر کارایی ندارند.

۲-۲-۱. انکار گزاره‌های منفرد

1. Causal relation
2. Mark Hinchliff

مطالعات هینچلیف در زمینهٔ معرفت‌شناسی و فلسفه زبان است. همچنین دربارهٔ ماهیت و واقعیت زمان مشغول پژوهش می‌باشد.

3. Serious presentism
4. Unrestricted presentism



راه حل دیگر برای حل معضل گزاره‌های منفردی که درباره اشیا ناموجود به کار می‌روند، انکار گزاره‌های منفرد است؛ یعنی این را که بتوان گزاره‌های منفردی درباره اشیا انضمامی^۱ ناموجود به کار ببریم، امری بی معنا بدانیم. به بیان دیگر هیچ‌گونه گزاره منفردی درباره اشیا انضمامی نمی‌توان بیان کرد، بلکه باید تبیینی از جملاتی که ظاهراً بیانگر گزاره‌های منفرد درباره اشیا است، ارائه داد. مثلاً جمله «ابن سینا فیلسوف است» یک گزاره کلی را بیان می‌کند: به ازای برخی از Xها، «X مرجع ابن سینا است» و «X یک فیلسوف است»

این گزاره به طور مستقیم به ابن سینا ارجاع نمی‌دهد، بلکه در بردارنده ویژگی «مرجع بودن برای ابن سینا» است. (همچنین در بردارنده ویژگی فیلسوف بودن چیزی (ابن سینا) است.)

حال اگر اکنون گرا اصرار ورزد که هیچ گزاره منفردی درباره اشیا انضمامی وجود ندارد (حتی درباره اشیا انضمامی اکنون)، می‌تواند ادعا کند جملاتی که درباره گزاره‌های مربوط به اشیا انضمامی گذشته یا آینده مطلبی بیان می‌کنند، در واقع بیانگر گزاره‌هایی کلی درباره روش‌هایی است که آن اشیا بوده یا خواهند بود؛ زیرا براساس این دیدگاه، حتی هنگامی که ابن سینا موجود (حاضر) بود، جمله «ابن سینا فیلسوف است» بیان‌کننده هیچ گزاره منفردی درباره ابن سینا نیست، بلکه در واقع بیانگر یک گزاره کلی مانند گزاره ذیل است:

به ازای برخی از Xها، «X مرجع ابن سینا است» و «X یک فیلسوف است»

بنابراین از نظر اکنون‌گرایان اگر کسی جمله «ابن سینا فیلسوف بود» را به کار ببرد و ادعا کند این جمله بیانگر هیچ گزاره منفردی درباره ابن سینا نیست، چیز عجیبی نگفته است. از نظر اکنون‌گرا آنچه واقعاً جمله یادشده بیان می‌کند، حالت فعل زمان گذشته گزاره‌ای است که در بالا بیان شد. به این معنا که گزاره یادشده را می‌توان با جمله زیر به صورت گذشته بیان کرد:

«اینچنین بودگی» که به ازای برخی از Xها، «X مرجع ابن سینا است» و «X فیلسوف است».

با توجه به این مطلب اکنون می‌توان معضل باورهای بهمنیار درباره ابن سینا را برطرف کرد. اکنون‌گرایی که معتقد به گزاره‌های منفرد درباره اشیا انضمامی نیست، می‌تواند ادعا کند هنگام درگذشت ابن سینا (ناحاضر شدن) هیچ تغییری

¹. Concrete objects



در باورهای بهمنیار نسبت به ابن‌سینا ایجاد نمی‌شود؛ زیرا تمام باورهای بهمنیار «در باره» ابن‌سینا در بردارنده گزاره‌های کلی است و گزاره‌های کلی نیز اموری فرازمانی هستند که با از بین رفتن شیئی در زمان خاص، همچنان در تمام جهان‌های ممکن برقرارند. هرگاه مصداقی در زمان خاصی پیدا شد که آن‌ها را نمونه‌دار کرد، گزاره مورد نظر، مصداق خودش را که آن شیء خاص باشد، یافته و نمونه‌دار می‌شود. بنابراین می‌توان گفت اشیای ناموجود، صادق‌ساز دارند و صادق‌ساز آن‌ها گزاره‌ها هستند.

از نظر برخی اکنون‌گرایان مانند مارکوسیان (Markosian, 2004, p. 8) شعار هیچ گزاره منفردی درباره اشیای انضمامی (گذشته/اکنون/آینده) وجود ندارد، پذیرفتنی نیست؛ زیرا به نظر می‌رسد، دست‌کم گزاره‌هایی درباره اشیای انضمامی موجود (حاضر) وجود دارد. مثلاً «مقبره سعدی از سنگ مرمر است» گزاره‌ای است که بسیاری از جملات می‌توانند آن را بیان کنند.

۲-۲-۲. گزاره‌های منفرد و اسماء تهی

پاسخ دیگر به معضل گزاره‌های منفردی که درباره اشیای ناموجود به کار می‌روند، مربوط به مسئله اسماء تهی^۱ است که توسط کاپلان^۲ (Kaplan, 1989, pp. 483-490)، بارون^۳ (Braun, 1993, pp. 453-454)، سالمون^۴ (Salmon, 1998)، و اُپی^۵ (Oppy, 1997, pp. 122-130) بسط داده شده است. اسماء تهی، اسم‌هایی هستند که به شیئی ارجاع می‌دهند که آن شیء در عالم واقع، موجود نیست. ایده اساسی اسماء تهی چنین است:

الف) «سیمرغ در کوه قاف زندگی می‌کند»؛ این جمله بیانگر گزاره منفردی است که جملات مشابه آن‌ها یعنی جملات حاوی اسماء طبیعی^۶ مانند:

1. Empty Names

2. David Benjamin Kaplan

فیلسوف آمریکایی؛ وی متمرکز بر فلسفه زبان، منطق، متافیزیک، معرفت‌شناسی و فلسفه فرگه و راسل است.

3. David Braun

استاد فلسفه دانشگاه بوفالو؛ وی متخصص فلسفه زبان، متافیزیک و معرفت‌شناسی و منطق و فلسفه منطق است.

4. Nathan Salmon

وی یک فیلسوف آمریکایی در سنت تحلیلی است که در متافیزیک، فلسفه زبان و فلسفه منطق تخصص دارد.

5. Graham Robert Oppy

حوزه اصلی مطالعات این فیلسوف استرالیایی فلسفه دین و متافیزیک است. وی استاد فلسفه در دانشگاه موناش می‌باشد.

6. Normal names



ب) «رئییسی رئیس جمهور ایران است (زیرا رئییسی موجود است)»، بیانگر چنین گزاره‌هایی هستند.

تفاوت جملات بالا در این است که گزاره‌هایی که توسط جملات با اسمای تهی بیان می‌شوند، تهی و به بیان دقیق‌تر بدون مرجع عینی در جهان فعلی هستند، در حالی که گزاره‌هایی که توسط جملات با اسمای طبیعی اظهار می‌شوند، در بردارنده یک مرجع ملموس و عینی در جهان فعلی هستند.

اکنون گرای که این مسیر را برمی‌گیرد، می‌تواند ادعا کند جملاتی مانند «ابن سینا فیلسوف بود» در حقیقت بیانگر گزاره‌های منفرد هستند، هر چند گزاره‌های منفردی که در بردارنده اسمای تهی می‌باشند. برخلاف اینها گزاره‌های منفرد متعارف مانند «رئییسی رئیس جمهور است»، در بردارنده گزاره‌هایی هستند که به امری عینی و موجود اشاره می‌کنند.

هر چند می‌توان مطالب فراونی درباره گزاره‌های منفرد در بردارنده اسماء تهی بیان کرد، اما به نظر می‌رسد این ایده درباره اکنون‌گرایی کاربردی نداشته باشد؛ به‌ویژه با توجه به این نکته اکنون‌گرایی محض هیچ‌گونه واقعیتی برای هویات گذشته/آینده قائل نیست. دلیل این مطلب آن است که ترکیب اکنون‌گرایی با ایده گزاره‌های منفرد در بردارنده اسماء تهی به این نتیجه می‌انجامد که جملاتی مانند «ابن سینا فیلسوف بود» و «کلینی فیلسوف بود» (چراکه وی اساساً فیلسوف نبود)، بیانگر گزاره منفرد یکسانی هستند؛ یعنی این گزاره منفرد که «... فیلسوف بود». اگر هدف اکنون‌گرا تبیین روشن و دقیق از جملاتی مانند «ابن سینا فیلسوف بود» باشد که پیامدهای معقولی با توجه به معانی و ارزش صدق‌های آن جملات دارد، نمی‌تواند از مسیر اسماء تهی مشکل صادق‌سازی گزاره‌های دال بر گذشته/آینده را تبیین کند.

راه‌حل دیگر برای حل این مشکل، روش پارافریز کردن جملاتی است که درباره این اشیاء وجود دارند. پارافریز کردن این جملات به این معناست که آن‌ها را به جملات زمان گذشته یا آینده افعال برگردانیم. این روش توسط پرایور^۲ (Prior, 1968, pp. 12-14) و ولترستورف^۳ (Wolterstorff, 1979, p. 190) ارائه شده است.

الف) ابن سینا فیلسوف بود،

1. Truth value
2. Arthur Norman Prior
3. Nicholas Wolterstorff

منطق دان و فیلسوف نیوزلندی؛ منطق زمانی را پایه‌گذاری کرد که اکنون به عنوان منطق زمانی نیز شناخته می‌شود.

فیلسوف آمریکایی؛ او نویسنده برجسته کتابهای فلسفی و الهیات درباره زیبایی‌شناسی، معرفت‌شناسی، فلسفه سیاسی، فلسفه دین و متافیزیک است.



تبدیل می‌شود به:

(ب) این چنین بوده است که به ازای برخی Xها، X مرجع ابن‌سینا است و X فیلسوف است.

به نظر می‌رسد جمله «ب» هم‌معنای جمله «الف» نباشد. مثلاً جمله «الف» درباره‌ی یک انسان است، در حالی که جمله «ب» درباره‌ی یک اسم یا نام می‌باشد. همچنین جمله «الف» بیانگر یک گزاره‌ی منفرد است، در حالی که جمله «ب» صورت جمله‌ای را دارد که بیانگر یک گزاره‌ی کلی است (Smith, 1993, p. 162). افزون بر این آیا عجیب نیست که ادعا کنیم دو جمله در یک زمان باهم هم‌معنا (پس از درگذشت ابن‌سینا) و در زمان دیگری (هنگام زنده بودن ابن‌سینا) باهم از نظر معنایی متفاوت باشند؟ (Kripke, 1972, pp. 255-260)

۲-۳. اکنون‌گرایی و زمان‌های گذشته و آینده

آخرین مطلب درباره‌ی نحوه‌ی ارتباط «اکنون» با گذشته/آینده است. همان‌طور که بیان شد ما به‌نحوی درباره‌ی گذشته و آینده صحبت می‌کنیم که گویی هویت‌ی اصیل و عینی هستند. اگر اکنون‌گرا تنها به زمان و هویت اکنون قائل باشد، درباره‌ی این گزاره‌ها چه خواهد گفت؟ به نظر می‌رسد این معضل شبیه معضل گزاره‌های منفرد است با این تفاوت که در آنجا تمرکز روی اشیاء و هویت بود، اما در اینجا تمرکز بر نفس زمان‌هاست. برخی اکنون‌گرایان مانند فاین^۱ و پرایور (Prior and fine, 1977, pp. 51-65) و زالتا^۲ (Zalta, 1987, pp. 237-238) معضل را از طریق ترکیب راه‌حل گزاره‌های منفرد و جهان‌های ممکن حل می‌کنند. اما این معضل از طریق ابتنا کردن گذشته و آینده بر اکنون حل‌شدنی است. راه‌حل دوم چون مربوط به مسئله‌ی ابتنا^۳ متافیزیکی می‌باشد - که مسئله‌ای نو در متافیزیک معاصر است - پس از بحث راه‌حل جهان‌ممکنی می‌آید.

۲-۳-۱. راه‌حل جهان‌ممکنی

1. Kit Fine

فیلسوف بریتانیایی؛ مطالعات وی در حوزه‌ی منطق فلسفی، متافیزیک و فلسفه‌ی زبان است.

2. Edward Nouri Zalta

فیلسوف آمریکایی و محقق ارشد پژوهشی در مرکز مطالعات زبان و اطلاعات در دانشگاه استنفورد.

3. Metaphysical grounding



از نظر زالتا و فاین زمان‌ها شبیه جهان‌ها و ارتباط آنها با یکدیگر هستند. اما زمان‌ها چگونه شبیه جهان‌ها می‌باشند؟ زالتا (Zalta, 1987, pp. 237-238) سه نوع شباهت میان جهان‌ها و زمان‌ها بیان می‌کند: ۱. ارتباطی که آن‌ها با صدق دارند. ۲. هردو در تحلیل موجهات و زمان دستوری مفیدند. ۳. ساختار درونی آنها شبیه هم است. نسبت به (۱) همانطور که طرفدار ایده جهان‌های ممکن می‌گوید اگر گزاره p در یک جهان صادق باشد، در تمام جهان‌های ممکن همتایش نیز صادق است. همچنین اگر یک گزاره در یک زمان صادق باشد، آنگاه نسبت به تمام زمان‌ها صادق خواهد بود. مثلاً اگر «ارسطو در جهان فعلی، انسان است» صادق باشد، آنگاه «ارسطو انسان است» در هر جهان ممکنی صادق خواهد بود. به همین دلیل می‌گویند جهان‌ها و زمان‌ها در ارتباط با گزاره‌ها، ویژگی حداکثری^۱ دارند؛^۲ یعنی هر گزاره‌ای اگر در یک جهان صادق باشد، آنگاه در تمام جهان‌ها صادق است. به همین ترتیب اگر گزاره‌ای در اکنون صادق باشد، در تمام زمان‌ها نیز صادق خواهد بود.

نسبت به (۲) هنگامی که مفهوم «بالضروره» را به عنوان سور کلی بر جهان‌های ممکن می‌بندیم و می‌گوییم: «بالضروره هر الف ب است»، به این معناست که در هر جهان ممکنی که «الف بالضروره ب باشد»، آنگاه در جهان‌های ممکن دیگر هم چنین خواهد بود. به همین ترتیب اگر کسی بگوید «همیشه اینطور بوده است که هر الف ب است» یا «همیشه اینطور خواهد بود که هر الف ب است»، زمان در اینجا نقش موجهات را دارد و ضرورتی را مانند ضرورت موجهات ایجاب می‌کند. به همین دلیل زمان از این جهت که تمام جمله را تحت تأثیر قرار می‌دهد، شبیه موجهات است.

زالتا نسبت به (۳) معتقد است (Zalta, 1987, pp. 237-238) همان‌گونه که تنها یک جهان از میان جهان‌ها بالفعل و واقعی است، در مورد به زمان‌ها نیز تنها یک زمان نسبت به زمان‌های دیگر بالفعل و واقعی می‌باشد.

بر اساس این تفسیر، اکنون‌گرایی دقیقاً مانند این جهان‌ها با گزاره‌های مربوط به گذشته/آینده مرتبط است. بر همین مبنا، دو نوع زمان اکنون وجود دارد؛ زمان اکنون انتزاعی و زمان اکنون انضمامی. بسیاری از چیزها از حیث اینکه صادق خواهند بود یا صادق بوده‌اند، در همین اکنون که از آن سخن می‌گوییم، اکنون به‌شمار می‌آیند. مثلاً گزاره

1. Maximal consistency

۲. گزاره‌ها از نظر اکنون‌گرایان و حتی غیراکنون‌گرایان اموری فرازمانی و ضروری‌اند.



«ابن سینا فیلسوف بود» که اکنون درباره یک واقعیت گذشته بیان می‌شود، اکنون نیز جزء ویژگی‌های جهان است و هر زمان که بیان شود، بیانگر یکی از ویژگی‌های آن خواهد بود. این گزاره از این حیث که اکنون دربردارنده یک ویژگی است، اکنون و از این حیث که آن وضعیت بالفعل وجود ندارد، امری فعلاً انتزاعی است. زمان اکنون انضمامی، مجموع تمام واقعیات اکنون است که تمام واقعیات و ویژگی‌های زمان‌های دیگر را دربردارد. زمان فعلی، تنها زمان انضمامی است که وجود دارد و همین زمان است که دیگر زمان‌ها را صادق می‌گرداند. در نتیجه، سخن گفتن درباره زمان‌های غیراکنون شبیه سخن گفتن درباره جهان‌های ممکن انتزاعی است که مبتنی بر جهان بالفعل هستند. به‌طور کلی اکنون‌گرایی که مانند زالتا درباره مسئله جهان‌های ممکن فعلیت‌گرا هستند، اعتقاد دارند جهان فعلی انضمامی، با زمان اکنون انضمامی (مجموع تمامی واقعیات جاری) این همان است.

۲-۳-۲. راه‌حل براساس مسئله ابتنا

کواين^۱ (Quine, 1948, pp. 22-25) درباره مسئله متافیزیک معتقد بود تلاش فیلسوفان همواره این بوده و هست که پاسخی برای این پرسش پیدا کنند: «چه چیزهایی وجود دارند؟» وی در پاسخ به این پرسش گفته بود برای پی‌بردن به اینکه چه چیزهایی وجود دارند باید به علم و نه فلسفه مراجعه کرد. (Quine, 1948, pp. 22-25) با چرخشی که در متافیزیک قرن بیست و یکم روی داده است، برخی مانند بنت^۲ (Bennett. 2011. pp. 80-85) و شافر^۳ (Schaffer, 2009, p. 348) مدعی شده‌اند پرسش اصیل متافیزیکی از یونان باستان تا امروز این بوده است که «اساساً امر بنیادین چیست؟» همه ما به‌طور متعارف درمی‌یابیم که چیزهایی در این جهان وجود دارند، اما پرسش اصلی این است که امر بنیادین در پس تمام این امور چیست؟ قدمت این پرسش به یونان باستان بازمی‌گردد. اینکه کواين پرسش متافیزیکی را

1. Willard Van Quine

2. Karen Bennett

بنت عمدتاً در متافیزیک معاصر و فلسفه ذهن مشغول به تحقیق است.

3. Jonathan Schaffer

فیلسوف آمریکایی است که بیشتر به دلیل فعالیت در زمینه توسعه مونیسم شناخته شده است.



از «امر بنیادین چیست؟» به «چه چیزهایی وجود دارند؟» تغییر داد در واقع انحرافی در تفکر فلسفی بود که باید اصلاح شود. با توجه به این مطلب بود که برخی مسئله متافیزیکی را مسئله امر بنیادین دانستند.^۱ پرسش دیگر این است که رابطه آن امر بنیادین با دیگر امور چیست؟ این رابطه از نظر آن‌ها رابطه ابتنا^۲ است. به بیان دیگر آنها بر این باورند که رابطه میان امر بنیادین با امور دیگر، نوعی رابطه است که نه علی و نه چیز دیگر می‌باشد، بلکه فقط رابطه ابتنا است. برقراری رابطه ابتنا میان X و Y بدین معنی است که هر زمان X وجود داشته باشد، Y نیز وجود دارد، اما نه اینکه X علت Y باشد، بلکه رابطه دیگری میان آن‌ها برقرار است که فراتر از رابطه علی می‌باشد. رابطه ابتنا، رابطه‌ای میان دو چیز است که علی نیست و طرفین آن بناکننده^۳ و بناشونده^۴ نام دارند. اگر میان دو چیز رابطه ابتنا برقرار باشد، بناکننده، موجب استواری بناشونده می‌گردد و نبود آن به عدم بناشونده منجر می‌شود. (ایمانی‌کیا، سعیدی‌مهر، حجتی، ۱۳۹۸، ص ۶۰)

برخی (Baron, 2015, p.4) مسئله ابتنا را به مسئله زمان نیز تعمیم داده‌اند. ابتنا زمانی بر دو نوع است؛ ابتنا همزمانی^۵ و ابتنا در-زمانی^۶. (ایمانی‌کیا، سعیدی‌مهر، حجتی، ۱۳۹۸، ص ۶۲) ابتنا همزمانی یعنی X در زمان T، Y را ابتنا بخشد. مثلاً نفس اکنون به صورت همزمان تمام اجزای بدن را ابتنا می‌بخشد.^۷ ابتنا در-زمانی یعنی X در طول زمان Y را در Tهای مختلف ابتنا بخشد. بارون معتقد است زمان از این قسم می‌باشد؛ یعنی مثلاً اکنون‌گرا می‌تواند بگوید هم اکنون و هم گذشته/آینده موجودند، اما با این تفاوت که رابطه گذشته/آینده با اکنون رابطه ابتنا است؛

۱. به نظر نگارنده، ادعای فاین و دیگران درست است؛ زیرا در میان فیلسوفان اسلامی به ویژه ملاصدرا نیز همین رویکرد وجود دارد و می‌توان گفت رویکرد فیلسوفان مسلمان در پرسش متافیزیکی همان است که در یونان باستان افرادی مانند ارسطو و افلاطون مطرح کرده بودند. ملاصدرا درباره «اصالت وجود» سخن می‌گوید. منظور از اصالت همان امر بنیادین است. حتی پرسش متافیزیکی کسانی که قائل به اصالت ماهیت هستند نیز پرسش مذکور بوده است. از این نظر فیلسوفان مسلمان پرسش متافیزیکی را مانند کواکب به بیراهه نبرده و سنت فلسفی را در این باره حفظ کرده‌اند.

2. Grounding Relation
3. Grounder
4. Groundee
5. Synchronical grounding
6. Diachronical grounding

۷. بنابر قاعده «النفس فی وحدتها کل القوی»



یعنی اکتون به صورت در زمانی هم گذشته و هم آینده را ابتدا می‌بخشد، بدون اینکه علت آن‌ها باشد. در این رویکرد، گذشته/آینده حکم امور مشتق^۱ و اکتون، حکم امر بنیادین را دارد.

تفاوت اکتون‌گرایی محض با این رویکرد در این است که اکتون‌گرایی محض چون به گذشته/آینده قائل نیست، برای حل معضلات گزاره‌های منفرد و نسبت‌های گذشته/آینده مجبور است از طریق تحلیل‌های زبانی مسائل را حل کند، اما اکتون‌گرایی مانند بارون بدون توسل به تحلیل‌های زبانی و جهان‌های ممکن، از طریق مسئله ابتدا معضل را حل می‌کنند.

تا اینجا راه‌حل‌های مهمی که اکتون‌گرایان برای حل معضلات بیان کرده‌اند، بررسی شد. تمام این مباحث جز راه‌حل آخر، مبتنی بر مباحث تحلیل زبانی بود. اما این راه‌حل‌ها چه برای مخالفان اکتون‌گرایی قانع‌کننده باشد یا خیر، اکتون‌گرایی از حیث هستی‌شناختی دو استدلال مشهور دارد.

۲-۴. دو استدلال به سود اکتون‌گرایی

معمولاً هر نظریه فلسفی مبتنی بر پیش‌فرض‌هایی است که آن‌ها را به عنوان امور مسلم حفظ کرده، سپس تمام ایده‌های بعدی را بر آن‌ها استوار می‌سازد. اکتون‌گرایی نیز به عنوان یک ایده فلسفی از این قاعده مستثنا نیست. حال باید دید اکتون‌گرایی محض از چه پیش‌فرض‌های متافیزیکی استواری استفاده می‌کند که بتوان آن را نظریه‌ای موجه برشمرد؟ دو انگیزه مهم برای دفاع از اکتون‌گرایی محض نسبت به رقیبانش به‌ویژه ازل‌گرایی وجود دارد که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

۲-۴-۱. برآورده ساختن شهودات متعارف

طرفداران این نظریه مدعی هستند اکتون‌گرایی شهودات متعارف ما را نسبت به زمان بهتر برآورده می‌سازد. بیگلو (Bigelow, 1996, p. 35)، مارکوسیان (Markosian, 2004, p. 49)، مریکس^۲ (Merricks, 2007, p. 140)، زیمرمن (Zimmerman, 2008, p. 211) و تالنت^۳ (Tallant, 2009, pp. 407-408) از این انگیزه بحث و دفاع کرده‌اند. توسل

1. Derivative

2. Trenton Merricks

3. Jonathan Tallant

استاد فلسفه دانشگاه ویرجینیا؛ رشته‌های اصلی او متافیزیک، معرفت‌شناسی و فلسفه دین است.



به شهود همواره میان فیلسوفان رایج بوده و هست. هرگاه فیلسوف یا هر اندیشمند دیگری بخواهد از نظریه یا ایده‌اش دفاع کند، معمولاً یا اغلب، به شهود متوسل می‌شود. در سنت اسلامی نیز معمولاً افرادی بوده و هستند که هر جا در مسیر تبیین و اظهار استدلالی برای یک نظریه فلسفی کوشیده‌اند، در نهایت مخاطب را به «وجدان» ارجاع داده‌اند. پس روشن‌ترین مصداق شهود در این ادعا همان وجدان است. در واقع اکنون‌گرا در صدد بیان این نکته است که اگر کسی باور ندارد که «اکنون» نسبت به گذشته/آینده واقعی/واقعی‌تر است، به وجدانش مراجعه کند.

برخی از فیلسوفان تحلیلی مانند زیمرمن (Zimmerman, 2008, p. 211) درباره سازگاری اکنون‌گرایی با شهود ما معتقدند اکنون‌گرایی نسبت به رقیبانش دو نوع شهود ما نسبت به زمان را برآورده می‌سازد:

✓ شهود اول، شهود عدم مساوات^۱ است.

شهود عدم مساوات یعنی گذشته/اکنون و آینده از حیث هستی‌شناختی یکسان نیستند؛ به این معنا که زمان اکنون چیز خاص یا شأن خاصی نسبت به آن دو دارد که ویژه خودش می‌باشد؛ ویژگی که مختص «اکنون» و نه گذشته/آینده است.

✓ شهود دوم، شهود واقعیت^۲ است.

شهود واقعیت یعنی زمان اکنون نسبت به گذشته و آینده واقعی‌تر است. (Zimmerman, 2008, p. 211)

بیشتر دیدگاه‌های غیراکنون‌گرایی در هستی‌شناسی زمان، شهود اول را برآورده می‌سازند، اما نسبت به شهود دوم محکوم به شکست هستند. مثلاً نظریه بلوک فزاینده کاملاً نمی‌تواند این ادعا را که «اکنون واقعی‌تر از گذشته/آینده است» بپذیرد؛ زیرا دست‌کم وجود گذشته را تنفیذ می‌کند. ازل‌گرایی حتی موضع بدتری در رابطه با برآورده کردن شهود واقعیت دارد؛ زیرا شأن هستی‌شناسانه مساوی را به گذشته/اکنون/آینده نسبت می‌دهد. بیان شد که ازل‌گرایان اغلب بر این اصل مسلم (از نگاه آن‌ها) که تمام زمان‌های گذشته/اکنون/آینده از نظر هستی‌شناختی باهم برابرند و هیچ‌یک نسبت به دیگری واقعی‌تر نیست، اصرار می‌ورزند. از نظر آنان همانطور که هیچ «اینجای منحصر به فرد مکانی» وجود ندارد تا آن را نسبت به دیگر مواضع و موقعیت‌های مکانی برتر و واقعی‌تر بدانیم (چراکه اینجا و آنجا نسبی هستند)،

وی در دانشگاه ناتینگهام درباره فلسفه زمان و فلسفه اعتماد پژوهش می‌کند.

1. Parity intuition
2. Reality intuition



هیچ «اکنون منحصر به فردی» وجود ندارد تا آن را نسبت به دیگر مواضع زمانی برتر و واقعی‌تر تلقی کنیم.

این ادعا که اکنون‌گرایی محض بر خلاف نظریه بلوک فزاینده و ازل‌گرایی و بطور کل هر نظریه غیراکنون‌گرایانه، هر دو شهود مذکور را برآورده می‌سازد، امری است که به نظر نگارنده می‌توان آن را از زاویه دیگری نیز بررسی و بیان کرد. در واقع، این ادعا به ایده بنیادین‌تری بازمی‌گردد که براساس آن، اکنون نسبت به گذشته/آینده حکم امر بنیادین نسبت به مشتق را دارد. به بیان دیگر، اکنون‌گرایی به این مطلب بازمی‌گردد که اکنون حکم امر بنیادین و گذشته/آینده حکم امور مشتق را دارند که بر اکنون بنا می‌شوند، (یا بهتر بگوییم اکنون آن دو را ابتدا می‌بخشد).

چنانکه گفتیم بر اساس اکنون‌گرایی محض، زمان اکنون از نظر متافیزیکی شأن و ویژگی خاصی دارد، به نحوی که گذشته و آینده این ویژگی را دارا نیستند. تنها، اکنون و هویت اکنون به صورت بنیادین موجودند. بنابراین شهود عدم مساوات را برآورده می‌سازد. اما همچنین اکنون‌گرایی محض، شهود واقعیت را نیز برآورده می‌سازد. همانطور که گذشت، هویت مشتق نسبت به امر بنیادین، کمتر واقعی هستند و توسط آن بنا می‌شوند. از همین جا می‌توان استنباط کرد که از آنجا که زمان‌ها و هویت گذشته/آینده مشتق هستند به نحوی که بر اکنون بنا می‌شوند و از آنجا که زمان و هویت اکنون مطلقاً بنیادین هستند، این نتیجه به دست می‌آید که اگرچه زمان‌ها و هویت گذشته/آینده تحت اکنون‌گرایی محض می‌توانند به نحوی موجود باشند، اما درجه واقعیت چنین زمان‌ها و هویت‌ها از زمان و هویت اکنون، یعنی هویت‌ها که به صورت بنیادین هستند، کمتر است. تنها در زمان اکنون است که ما هویت‌ها به تمام معنا واقعی را می‌توانیم بیابیم، بنابراین واقعیت زمان اکنون به همراه هویت‌ها، نسبت به آن دو در سطح بنیادین‌تری است. از این رو براساس اکنون‌گرایی محض که برای برآورده ساختن شهود واقعیت موردنیاز بود، میان اکنون و گذشته/آینده نوعی نسبت است که می‌توان آن را نسبت متقارن^۱ نامید؛ به این معنا که اکنون همان نسبتی که با گذشته دارد عین همان نسبت را با آینده نیز دارد. بنابراین حتی اگر نظریات هستی‌شناسی زمانی دیگر بتوانند شهودات متعارف ما را برآورده کنند، تنها یکی از آنها را برآورده می‌سازند، اما اکنون‌گرایی هر دو را برآورده می‌کند.

۳. ملاحظات صرفه‌جویانه



اصلی موسوم به تیغ اُکام^۱ یا اصل خست^۲ توسط ویلیام اکام^۳ مرسوم شده است که بر اساس آن «هویات نباید بدون ضرورت افزایش یابند». این اصل در شاخه‌های مختلف علوم مانند فلسفه علم، فلسفه دین و زبان‌شناسی به کار می‌رود. اکام چون در مسئله کلی‌ها یک نام‌گرا بود، معتقد بود نباید کلی‌ها را چیزی جدا از جزئی‌ها بدانیم و برای آن در کنار جزئی‌ها عدد قائل شویم، بلکه کلی فقط یک نام است که بر تعداد افراد زیادی که تحت یک نوع قرار می‌گیرند می‌نهییم. مثلاً کلی عدالت یا زیبایی امری واقعی در جهان مثل افلاطونی نیست، بلکه نامی است که بر مصادیق عدالت یا زیبایی می‌گذاریم. این اصل در متافیزیک کاربرد خودش را دارد. براساس این اصل، اگر از منظر هستی‌شناسانه بنگریم، ملاحظات کم‌خرج و کم‌هزینه در متافیزیک مهم‌اند. در مباحث متافیزیک و بطور کل در فلسفه، هر نظریه‌ای که رویکرد کم‌هزینگی را در پیش بگیرد به عنوان مبنایی برای ترجیح آن نسبت به رقیبان در نظر گرفته می‌شود.

با توجه به این اصل، از آنجاکه اکنون‌گرایی نسبت به رقیبانش یعنی ازل‌گرایی و غیره، رویه‌ای صرفه‌جویانه دارد بر آن‌ها برتری می‌یابد. به عبارتی هستی‌شناسی اکنون‌گرایی نسبت به نظریه‌های رقیب در مسئله زمان، خلوت‌تر است؛ زیرا ساده‌ترین راه ممکن برای مسئله زمان را انتخاب می‌کند. بُرن^۴ (Bourne, 2006, pp. 68-69) معتقد است ملاحظات صرفه‌جویانه^۵، زمانی اهمیت خود را نشان می‌دهند که شما به اکنون‌گرایی قائل باشید. بنابراین براساس نظر دست‌کم بُرن، صرفه‌جویی هستی‌شناسانه شاید تنها دلیل برای تنفیذ این دیدگاه باشد و موجب برتری آن بر دیگر نظریات گردد. اکنون مهم است که این ملاحظات صرفه‌جویانه بررسی شوند تا دریابیم اکنون‌گرایی نسبت به ازل‌گرایی یا دیگر نظریات زمان از چه نوع صرفه‌جویی هستی‌شناسانه برخوردار است.

تالنت (Tallant, 2012, p. 1-2) و نولان^۶ (Nolan, 1997, p. 330) تفکیکی میان دو نوع صرفه‌جویی کمی^۷ و

1. Occam's razor
2. Law of Parsimony
3. William of Ockham (1285-1347)
4. Craig Bourne

علائق پژوهشی بورن متافیزیک، فلسفه زبان و زیبایی‌شناسی است. اشارات او در بردارنده آینده‌ای برای حال‌گرایی و زمان در داستان می‌باشد.

5. Parsimony considerations

6. Daniel Nolan

وی استاد بخش فلسفه در دانشگاه نوتردام است. در زمینه متافیزیک، فلسفه عمومی علم، منطق و فلسفه منطق و فرائض و پژوهش می‌کند.



صرفه‌جویی کیفی^۱ انجام داده‌اند که به ترتیب آنها را QN و QL می‌نامیم.

QN: از نظر کمی هر نظریه‌ای که شمار هویات را بدون ضرورت زیاد نکند و بلکه کاهش دهد، از ارزش بیشتری برخوردار است.

QL: از نظر کیفی هر نظریه‌ای که شمار انواع هویات را بدون ضرورت افزایش نداده و بلکه کاهش دهد، ارزشمندتر است.

این تفکیک کاملاً براساس تیغ اکام یا اصل خست بنا شده است. همانطور که اشاره شده است تفاوت صرفه‌جویی کمی با کیفی در کاهش دادن «شمار هویات» و «انواع هویات» است. واژه «انواع» در صرفه‌جویی کیفی اشاره به کلی‌ها دارد. کسانی که به تیغ اکام پایبندند، معتقدند نه تنها شمار جزئی‌ها بلکه حتی شمار کلی‌ها نیز نباید افزایش یابد. توضیح اینکه در مسئله کلی‌ها برخی با اینکه واقع‌گرا هستند (یعنی کلی‌هایی مانند عدالت، زیبایی و غیره مانند نمونه‌ها و مصادیق‌شان در خارج موجودند)، واقع‌گرایی‌شان به حدی است که برای هر چیزی یک کلی‌قائلند. به این افراد نظریه‌پردازان حداکثری در باب کلی‌ها^۲ می‌گویند. ایده حداکثری در باب کلی‌ها^۳ در واقع نسخه‌ای از واقع‌گرایی است که شمار زیادی کلی در هستی‌شناسی جای می‌دهد. به عبارتی این گروه برای هر واژه‌ای که در زبان بکار می‌بریم یک کلی در نظر می‌گیرند. برخی دیگر در باب کلی‌ها نیز صرفه‌جویانه عمل می‌کنند و معتقدند اگرچه تعداد جزئی‌ها بی‌شمارند، اما تعداد کلی‌هایی که این جزئی‌ها تحت آن‌ها قرار می‌گیرند، اندک است. به این گروه نظریه‌پردازان حداقلی در باب کلی‌ها^۴ می‌گویند. ایده حداقلی در باب کلی‌ها^۵ نسخه‌ای از واقع‌گرایی است که تعداد کمی کلی در هستی‌شناسی قائل است. نولان نه تنها ایده حداکثری در باب کلی‌ها را رد می‌کند، بلکه معتقد است حتی نسخه حداقلی آن نیز موردقبول نیست و نباید تعداد انواع هویات را بی‌جهت افزایش داد. (Nolan, 1997, p. 330)

با این توضیحات، در تحلیل استدلال دوم به سود اکنون‌گرایی باید گفت از بین دو تفکیک انجام‌شده، QN از این

7. Quantitative parsimony
1. Qualitative parsimony
2. Abundant theorists of universals
3. Abundent theory of universals
4. Soarse theorists of universals
5. Sparse theory of universals



نظریه پشتیبانی می‌کند؛ یعنی اکنون‌گرایی در هستی‌شناسی‌اش نسبت به رقیبانش شمار هویت را بیشتر کاهش می‌دهد و به همین دلیل است که بر رقبایش پیشی می‌گیرد. بنابراین با توجه به QN اگر کسی قائل به ازل‌گرایی یا هر نظریه غیراکنون‌گرایانه باشد، از آنجا که این نظریات در مسئله زمان قائل به رسمیت شناختن گذشته/آینده هستند، دارای هستی‌شناسی متورم هستند و جالب نیست دیدگاهی را انتخاب کرد که سبب اتخاذ این نوع هستی‌شناسی شلوغ شود. از سویی براساس نظر اکنون‌گرایان این زمان‌ها و هویت‌ها که منسوب به آن‌هاست از اساس واقعیت ندارند تا بتوان آن‌ها را در هستی‌شناسی زمان جای داد.

QL نیز از اکنون‌گرایی پشتیبانی می‌کند؛ زیرا اکنون‌گرایان در مسئله زمان، نه تنها شمار جزئی‌ها بلکه شمار انواع هویت (کلی‌ها) را نیز کاهش می‌دهند؛ توضیح اینکه وقتی گذشته/آینده موجود نباشند، هویت آن‌ها نیز موجود نخواهد بود. بنابراین می‌توان گفت QN و QL هر دو در پشتیبانی از اکنون‌گرایی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

از این گذشته، براساس نظر شافر (Schaffer, 2010, p. 313) هر نظریه‌ای که نسبتاً هویت بنیادینی در هستی‌شناسی‌اش ارائه دهد در مقابل دیدگاهی که هویت غیربنیادین ارائه می‌دهد شهوداً برتری دارد. پیش فرض مورد علاقه شافر این است که باید هستی‌شناسی مان را در همان سطح بنیادین، نظیف و تمیز نگه داریم. (Schaffer, 2009, p. 361) شافر این فرضیه را «امری که ارزش صرف بها در راه آن است» می‌نامد. (Ibid) کامرون^۲ نیز این اصل را تنفیذ کرده است. (Cameron, 2010, pp. 262-263) شافر در جای دیگر (Schaffer, 2010, p. 313) بیان می‌دارد که نکته اصلی تیغ اکام آن است که کسی نباید هویت بنیادین را بدون لزوم و ضرورت تکثیر کند.

بنابراین دوباره با توجه به تیغ اکام و تفکیک میان QN و QL، اکنون‌گرایی تنها متعهد به وجود اکنون به عنوان امری بنیادین است. در حالی که دیگر نظریات در هستی‌شناسی زمان متعهد به وجود هم گذشته، هم اکنون و هم آینده هستند که سبب تکثیر بی‌جهت و بدون ضرورت هویت می‌شوند. از این نظر، اکنون‌گرایی بسیار بصره‌تر از دیگر رقبا است.

1. Bang for the buck
2. Ross P. Cameron

وی در موضوعات متافیزیکی سنتی مانند ماهیت زمان، امکان، هستی و حقیقت و همچنین منطق و ریاضیات مطالب زیادی منتشر کرده است.



نتیجه‌گیری

مسئله اصلی در این مقاله داوری میان دو رویکرد رقیب در فلسفه تحلیل در باب زمان یعنی اکنون‌گرایی و سرمدی‌گرایی بود. بر اساس آنچه بیان شد اکنون‌گرایی ایده‌ای است که براساس آن تنها زمان و هویت اکنون موجود و واقعی اند و گذشته/آینده وجود ندارد. معضلاتی که اکنون‌گرایی با آن مواجه بود و راه‌حل‌هایی که اکنون‌گرایان برای برون‌رفت از این معضلات ارائه داده‌اند بررسی و تحلیل شد. همانگونه که بیان شد در جمع‌بندی میان این دو رویکرد با توجه به دو استدلال مهم اکنون‌گرایی یعنی اصل متافیزیکی شهود واقعیت و اصل و ملاحظات صرفه‌جویانه هستی‌شناختی که براساس آن هر نظریه‌ای که هویت کمتری را بگنجانند، می‌تواند این نظریه را نسبت به رقیبش یعنی اکنون‌گرایی و دیگر نظریات زمان دارای مزیت، اولویت و رجحان دانست.

این پژوهش می‌تواند گامی در جهت گسترش مطالعات تطبیقی میان مباحث سنت اسلامی اعم از نظریات فلاسفه و متکلمان باشد. بسیاری از اندیشمندان مسلمان در زمینه واقعیت زمان، حرکت، استمرار و غیره اقدام به نظریه‌پردازی کرده و استدلال‌هایی ارائه داده‌اند. هر چند مباحث این اندیشمندان در چارچوب رویکرد تحلیلی جای نمی‌گیرد، اما با دقت نظر و بررسی استدلال‌های ایشان می‌توان میان نظریات مختلف در باب هستی و زمان در میان دو سنت فلسفی و کلامی اسلامی و سنت تحلیلی اقدام به داوری نمود. به بیان دیگر با توجه به اینکه مسئله این پژوهش، مسئله‌ای به‌روز است که در حال حاضر توسط اندیشمندان سنت تحلیلی محل توجه است و بررسی می‌شود، صورت‌بندی و ارائه مباحث عمیق موجود در سنت فلسفی و کلامی اسلامی در قالب ادبیات و چارچوب تحلیلی گامی در به‌روز کردن نظریات اندیشمندان مسلمان است.



منابع و مأخذ

ایمانی کیا، حجت؛ سعیدی مهر، محمد؛ حجتی، سیدمحمدعلی. (۱۳۹۸). بررسی دیدگاه ملاصدرا درباره استمرار اشیا در زمان در پرتو اکنون‌گرایی اولویتی. پژوهش‌های عقلی نوین. ۴(۷). صص ۴۹-۷۲.

Adams, Robert M (1986), Time and Thisness, in French, Peter A, Uehling, Theodore E, and Wettstein, Howard, (eds.) *Midwest Studies in Philosophy*. Volume XI (Minneapolis: University of Minnesota Press, pp. 315-329.

Baron, S, (2015). The priority of The Now. *Pacific Philosophical Quarterly*. 96(3). 1-24.

Bennett, Karen. (2011). Construction Area (No Hard Hat Required). *Philosophical Studies*. 154(1): 79-104.

Bigelow, J. (1996). Presentism and properties. *Philosophical perspectives*. 10. 35-52..

Bourne, C. (2006). *A Future for Presentism*. Oxford: Oxford University Press.

Braun, David (1993). Empty Names. *Noûs* 27. pp. 449-469.

Broad, C. D (1923). *Scientific Thought*. London: Routledge & Kegan Paul.

Cameron, R, (2010). How to Have a Radically Minimal Ontology. *Philosophical Studies*. 151. 249-264.

Carter, W. R, & Hestevold, H. S. (1994). On Passage and Persistence. *American Philosophical Quarterly*. 4(31). 269-283

Hinchliff, Mark, (1988). *A Defense of Presentism* (doctoral dissertation. Princeton University.

Kaplan, David (1989). Demonstratives. in Almog, Joseph. Perry. John, and Wettstein, Howard (eds.) *Themes from Kaplan*. New York: Oxford University Press. pp. 481-564.

Kripke, S. A (1972). Naming and necessity. *In Semantics of natural language*. pp. 253-355: Springer.

Markosian, N. (2004). A defense of presentism. *Oxford studies in metaphysics*. 1(3). 47-82.

Markosian, N. (2006). A Defense of Presentism. In Sally Haslanger and Roxanne Marie Kurtz. *Persistence: Contemporary Readings* (pp. 307-341). MIT Press

McTaggart, J. M. (1927). *The Nature of Existence* (Vol. 2). Cambridge: Cambridge University Press.



- Merricks, T. (2006). Good-Bye Growing Block. In D. Zimmerman (Ed.). *Oxford Studies in Metaphysics* (Vol. 2. pp. 103-111). Oxford: Oxford University Press.
- Merricks, T. (2007). *Truth and Ontology*. New York: Oxford University Press.
- Nolan, D. (1997). Quantitative Parsimony. *British Journal for the Philosophy of Science*. 48(3). pp. 329-443.
- Oppy, Graham (1997). The Philosophical Insignificance of Gödel's Slingshot. *Mind*. 106. pp. 121-141.
- Prior, A. N. (1968). *Changes in events and changes in things*: na.
- Prior, A. N. (1970). The Notion of the Present. *Stadume Generale*. 23. 245-248.
- Prior, Arthur Norman, and Fine, Kit. (1977). *World, Times and Selves*. London: Duckworth.
- Quine, W. V. (1948). On What There Is. *The Review of Metaphysics*. Vol. 2. No. 5 (Sep., 1948). pp. 21-38.
- Salmon, Nathan (1998). Nonexistence. *Noûs* 32. pp. 277-319.
- Schaffer, J. (2009). On What Grounds What. In D. J. D. Manley. & D. J. D. Manley (Ed.). *Metametaphysics: New Essays on the Foundations of Ontology*. pp. 347-383. Oxford: Oxford University Press.
- Schaffer, J. (2010). 'The Least Discerning and Most Promiscuous Truthmaker. *The Philosophical Quarterly*. 60(239). pp. 307-324.
- Sider, Theodor. (2001). *Four Dimentionalism*. New York: Oxford University Press.
- Smart, J. J. (1963). *Philosophy and Scientific Realism*. London: Routledge.
- Smith, Q. (1993). *Language and Time*. Oxford: Oxford University Press.
- Tallant, J. (2009). Presentism and Truth-making. *Erkenntnis*. 71(3). 407-416.
- 32 Tallant, J. (2012). Quantitative Parsimony and the Metaphysics of Time: Motivating. *Philosophy and Phenomenological Research Early View*. 688-705.
- Taylor, R. (1963). *Metaphysics*. Garden City. NJ: Prentice Hall
- Tooly. Michael (2000). *Time, Tense and Causation*. Oxford. Oxford University Press. USA.



سال نهم، شماره هجدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

- Wolterstorff. N. (1979). Can Ontology Do Without Events? *Grazer Philosophische Studien*. 7(1). 177-201.
- Zalta. Edward N. (1987). On the Structural Similarities Between Worlds and Times. *Philosophical Studies*. 51. pp. 213-239.
- Zimmerman. D. (2005). The A theory of time. The B theory of time. and "taking Tense Seriously. *dialectica*. 59. 401-457.
- Zimmerman. D. (2008). *The Privileged Present: Defending an "A-theory" of Time*. In D. W.





پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی